

"نظم" در جامعه ژاپن

جمشید جمشیدی

سرآغاز

به نظر نگارنده آن چیزی که در نگاه اول در جامعه ی ژاپنی شاخص و چشمگیر ظاهر می شود پدیده **نظم** است. نظمی که باید به آن حسادت کرد، نظمی که جامعه ما تشنه ی آن است، زیرا که بدون آن هرگز جایز نیست انتظار رشد و پیشرفت داشت.

مقوله **نظم** در دو وجه نوشته و نانوشته قابل طرح است. **نظم نوشته** یا دستوری را می توان در متن های قوانین و مقررات ایستا جستجو کرد که جنبه دستوری و رسمی دارند و خود را به اجتماع تحمیل می کنند. قوانین جنبه عمومی، و مقررات، خاص مراکز دولتی و خصوصی است که بیشتر جنبه درون جمعی دارد.

در برابر نظم نوشته، **نظم نانوشته** داریم که بطور خودآگاهانه یا ناخودآگاهانه در روابط اجتماعی عملی می شوند. این نوع نظم بجای دستورات رسمی بیشتر متأثر از عادات، سنت ها و فرهنگ جمعی آحاد مردم در اجتماع می باشد. نمونه ی نظمی که در حین ازدحامات در صف بندی های ممتد و طولانی برقرار است از نوع نظم نانوشته محسوب می شود، نظمی که به کرات سبب حیرت و تحسین غربی ها شده است. ازدحامات برای گرفتن کمک هنگام آسیب های طبیعی و انسانی، مراجعات بیمارستانی، حین مسابقات ورزشی، یا خریدهای استثنائی در فروشگاه ها در نهایت نظم و آرامش برقرار می شود. صف بندی های طولانی هنگام سوار شدن ترن که بدون کوچکترین درگیری و بی نظمی در نهایت آرامش و رعایت حقوق یکدیگر صورت می گیرد امری روزانه و رایج است. کمتر می توان کسی را یافت که آب دهان، آب بینی، خلط، آدامس و تخمه، خاکستر سیگار یا هر اشغال کوچک دیگری را در معابر عمومی رها کند که احیانا سبب آلودگی محیط زیست و مزاحمت برای دیگران گردد. اگر چه نمونه ها بسیارند ولی از یاد نبریم که ما از یک وضع نسبی سخن می رانیم و هرگز قصد مطلق کردن وجود نظم و قانون گرائی و ایجاد شائبه ی ایدآلی بودن جامعه ی ژاپن را در این زمینه نداریم.

اما سبب تعهد فراگیر و جدی ژاپنی ها به نظم چیست؟ کدام عوامل تاریخی اجتماعی و فرهنگی در اجرا و تمکین به نظم نوشته و نانوشته این کشور دخیل اند؟ پی گیری و بررسی این عوامل می تواند موضوعاتی ارزشمند برای بحث و نتیجه گیری باشند. تنها یک بررسی ژرف و تیز بینانه نکات مثبت و منفی این مقوله را آشکار می کند و ما را به فراگیری حقایق آن تشویق می کند.

اگر چه فاکتورهای بسیاری در حوزه های متفاوت زندگی در گرایش ژاپنی ها به تعهد و برقراری نظم برشمرده شده است ولی به شهادت پژوهشگران خوگیری ذهنی و گرایش روانی ژاپنی ها به آموزش های کنفسیوسی که از پیشینه ی تاریخ کهنی نیز در این جامعه برخوردارست نقش بسزائی داشته است.

در دنباله به تشریح کوتاهی از اخلاق کنفسیوسی می پردازیم.

نگاه گذرانی به مکتب کنفوسیوسی

کنفوسیوس¹ فیلسوف، آموزگار فلسفه اخلاق که قرن ها قبل از میلاد در چین بدنیا آمد به عنوان مؤسس مکتب کنفوسیوس² شناخته می شود. آموزش های کنفوسیوس سپس بوسیله شاگردان او و فریختگان دیگر چینی با تغییر و تحولاتی در راستای پایه گذاری مکتب نوین کنفوسیوسی در چین و کشورهای اطراف از جمله ژاپن گسترش یافت. مکتب کنفوسیوس محصول دوران مشخص تاریخی اجتماعی چین بود. زمانی که اصول اخلاقی تحت سلطه رهبران خودکامه بوجه اسفناکی زیر پا گذاشته می شد و ملت تحت ظلم و فشار قرار داشتند کنفوسیوس جلوس می کند تا وضع را به نظم و آرامش برگرداند و آشتی و سازگاری را در میان اقشار مردم جایگزین حق کثی و ظلم نماید. کنفوسیوس و فیلسوفان متاخر طراح مبانی دین خاصی نبودند، آموزش های آن ها که بیشتر جنبه اخلاقی داشت و بجای تدوین قانون نقشه راهی برای برقراری نظم و آرامش در کانون خانواده و جامعه قلمداد شد. اما بنابر نیاز رهبران و قدرتمندان در مقاطع تاریخی جایگاهی همانند باورهای جزمی دینی پیدا می کرد و به عنوان ابزاری برای تحکیم اقتدار مورد سوء استفاده قرار گرفت.



کنفوسیوس (Kong Zi)

کنفوسیوس و متاخرین تعهد احترام و پایبندی به سلسله مراتب در کانون خانواده و اجتماع را رکن اصلی در برقراری نظم و صلح جامعه بحساب آوردند. آن ها بر این باور بودند همان گونه که آسمان و زمین، بالا و پائین است، موقعیت آدم ها نیز نسبت بهم هرگز یکسان و برابر نبوده بلکه متفاوت و به معنایی از طیف سلسله مراتب برخوردار است. کنفوسیوس به پنج رابطه اشاره می کند که جنبه سلسله مراتبی دارند و افراد نسبت به جایگاهشان مستلزم رعایت و گرامی داشت اند. پنج رابطه انسانی از جمله رابطه میان پدر و فرزند، شوهر و همسر، بزرگسال و خردسال، همکاران و فرمانده و فرمانبر، از روابط سلسله مراتبی پیروی می کنند.

فرزند از پدر اطاعت می کند، زن از شوهر، خردسال از بزرگ سال، همکار زیردست از سرپرست و سرکار خود، و بالاخره فرمانبر نسبت به فرمانروای خود باید وفادار و مطیع باشد. در مقابل، پدر نسبت به فرزند، شوهر نسبت به همسر، بزرگسال نسبت به خردسال، سرپرست

1 Confucius(551-479BC)

2 Confucianism

نسبت به همکار زیر دست و فرمانده نسبت به فرمانبر عنایت داشته و محبت روا می دارد. اندیشه های کنفوسیوسی از ابتدای ورود آن از چین در قرن ششم میلادی همواره تاثیر وسیع و ژرفی در بسیاری از عرصه های زندگانی جامعه ژاپن، از جمله قلمروی فرهنگ، مناسبات اجتماعی و اقتصاد داشته و همچنان نفوذ خود را در جامعه حفظ کرده است. نباید از یاد برد که آموزه های کنفوسیوسی در دوره های تاریخی متناسب با شرایط جامعه ژاپن تغییر و تحول یافته است. بزرگی که در راس هرم می نشیند و انتظار تبعیت از سطوح پائین را دارد در اعصار تاریخی مختلف دستخوش تغییرات می شود. زمانی جای فرمانده نظامی در جامعه نظامی استبدادی با ارباب در جامعه فنودالی عوض می شود و جایگاه فئودال در زمان دیگر با تاجر و سرمایه دار در جامعه سرمایه داری عوض می شود. اگر چه تعویض جایگاه راس هرم به موازات تغییرات در هرم قدرت و نیازهای تاریخی اجتماعی و اقتصادی صورت می گیرد مناسبات انسانی همچنان از الگوی اخلاقیات کنفوسیوسی که شالوده ی آن در ساختار سلسله مراتبی بود پیروی کرده است.

تحکیم پایه های حکومت با توصل به اصول اخلاقی مخصوصاً در عصر ادو³ قوت می گیرد. برای پایان دادن به جنگ و خونریزی به عنوان راه حل معضلات اجتماعی، آموزش اخلاقیات چین در سطح جامعه رواج پیدا می کند. موفقیت این روش در این دوره انگیزه ای برای کاربرد آن در دوره می جی⁴، عصر رونق مدرنیزاسیون ژاپن می گردد. برجستگی نقش امپراتور و نظامیان در دوره می جی با توصل به ابزار اخلاقیات کنفوسیوسی تحقق می یابد.

نمونه هایی از روابط سلسله مراتبی در مناسبات اجتماعی ژاپن که پایه ی نظم اند

1- نقش تعظیم در اثبات سلسله مراتب

ظاهراً تعظیم کردن در ژاپن تاریخ 1500 ساله دارد. در عین آن که هم دست دادن و هم تعظیم کردن ادای دوستی و احترام نسبت به دیگری است، ولی آن چه که در تعظیم می تواند تحقق پیدا کند با دست دادن قابل تحقق نیست. و آن رعایت بزرگی و کوچکی است که با تعظیم می تواند بیان شود ولی دست دادن صرف این خصلت را ندارد. دو طرف با دست دادن در حالت تساوی با هم برخورد می کنند، حال آن که سطحی و عمیق بودن تعظیم می تواند بیان رعایت کوچک و بزرگی را در خود حفظ کند. کارمند یک شرکت در مقابل رئیس شرکت تعظیم عمیق می کند، رئیس با تعظیم سطحی جواب او را می دهد. در محیط نظامی پرسنل دون پایه در مراسم رسمی مجبور است تا خروج رئیس از اطاق از حالت تعظیم بیرون نیاید

2- کارت شناسائی و نقش نظم دهنده آن در میان ژاپنی ها

تبادل کارت شناسائی در ژاپن بسیار رواج دارد. مخصوصاً کارمندان شرکت های تجاری به این عادت سخت پایبندند. کارت شناسائی محدود به معرفی در حد نام و نشان نیست، مقام و موقعیت یکدیگر در شرکت تجاری بوسیله این کارت ها اطلاع رسانی می شود. نوعی فخر

³ 江戸時代 = Edo era (1603~1868)

⁴ 明治時代 = Meiji era (1868~1911)

فروشی و تاکید بر موقعیت بالا نسبت به موقعیت پائین تر است.

3- رعایت سلسله مراتب در بکاربری واژه اول شخص مفرد "من"

واژه های بسیاری به معنای "من" وجود دارد که کاربردهای متفاوتی دارند. نسبت با شخصی که صحبت می کنید لازم است از واژه مناسب "من" استفاده کنید. "من" بی نزاکت، "من" معمولی و خودمانی، "من" دلبرانه، "من" مودبانه، "من" محترمانه، "من" متواضعانه و غیره وجود دارد.

私 (わたし=Watashi)、俺 (おれ=Ore)、僕 (ぼく=Boku)、わし (=Washi)、
わたくし(Watakushi)、あたし(Atashi)、我が輩 (わがはい=Wagahai)、
小生 (しよせい=Shosei)、拙者 (せつしや=Setsusha)、

4- معنای پریش سن در روابط انسانی

سن شخص معیاری برای نوع گفتار و رفتار بحساب می آید. استفاده از واژه ها در صحبت با اشخاص قاعده مند است. انتخاب واژه ها در برخوردهای فردی می تواند عاری از نزاکت، معمولی و خودمانی، محترمانه، متواضعانه و غیره باشد. با فرد کوچکتر یا دون پایه ممکن است تبادل واژه ها معمولی تر و خودمانی تر از شخصی باشد که دارای منسب و مقام و جایگاه بالاتری است و از لزوم کاربرد واژه های محترمانه و متواضعانه تر را خاطر نشان می کند.

5- معنای هدیه ی پول به کودکان در روز عید

هدیه پول به کودکان در روز سال نو یادمان هدیه دادن بزرگترها به کوچکترها به نشانه عنایت و نوازش آن هاست. بزرگترها لزوماً به معنای سالمندترها و کوچکترها به معنای جوان ترها نیست اگرچه رابطه میان این دو نیز مهم بوده است. در قرن های پیش قدرتمندان از جمله زمین داران و اربابان و فرماندهان و سرکرده ها و رواسا بودند که به زیردستان خود هدیه می دادند. هدیه ها بیشتر از نوع اجناس بوده است. اگرچه این رسم اکنون در میان بزرگ سالان منسوخ شده ولی بنیان های آن در رسم هدیه دادن به کودکان به ارث رسیده است.

لازم است دقت شود که خود هدیه دادن به بچه ها ضمناً تاکتیکی برای تعمیق و ادامه دوستی میان خانواده ها نیز هست.

6- اصطلاح "که های"، "سین پای"

اصطلاح "که های" (後輩=kouhai)، "سین پای" (先輩=senpai) یا کوچکتر و بزرگتر در مراکز گوناگون در زمینه مناسبات انسانی بوفور بکار گرفته می شود، و از معنای بسیار ژرفی نیز برخوردار است. کافی است شخص تنها مدتی از دیگری دیرتر در جایگاه مسئولیتی قرار گیرد و آنکه می شود "که های" با تحمیل بار سنگین دون تری و زیردستی و در نتیجه حرف شنوائی. زیردست ناچار به حرف شنوائی و تابعیت از بالادست یا "سین پای" می شود.

پیروی از رابطه "گه های" و "سین پای" برقراری نظم است، آرامشی کیفی و تضمینی برای رشد و تعالی فرد و جمع و خلاصه مجموعه ای که آن ها به آن تعلق دارند. پدیده "گه های"، "سین پای" میراث پایداری از اصول اخلاق وارداتی کنفوسیونی است که در وحله اول ضامن فریبگی شرکت های تولیدی و تجاری است.

7- رفتار ژاپنی ها در برخورد با مسایل محیط کار، مسایل محیط زندگی و مسایل سیاسی منبع بررسی آماری نظر خواهی، انتشار دوره ای سطح آگاهی ژاپنی ها است که بوسیله سازمان صدا و سیمای نیمه دولتی این چ ک⁵ این کشور هر پنج سال یکبار در کتابی جمع بندی می شود.

در انتشار سال 2010 آمار سال 2008 نشان از رفتار منفعلانه ی اکثر ژاپنی ها در برخورد با مسایل در سه حوزه محیط کار، محیط زندگی و سیاست است. سه گزینه در این نظر خواهی جمع بندی شده است. در برخورد با مسایل درگیر شخص یا کاملاً "نظاره گر" می باشد و به انتظار بهبود وضع به گونه ای خودجوش می شود یا حل مسایل را به دیگری و مافوق خود "ارجاع" می دهد و در گزینه سوم با شرکت "فعال" خود به حل مساله کمر همت می بندد.

در حوزه مسایل کاری...50% نظاره گر... 26% ارجاع...18% فعال
در حوزه مسایل محیط زندگی...31% نظاره گر...44% ارجاع...22% فعال
در حوزه مسایل سیاسی...59% نظاره گر...20% ارجاع...13% فعال

آن گونه که این آمار شهادت می دهند اکثر ژاپنی ها در حل مسایل پیش رو دچار انفعال و بی کنشی هستند. آن ها با نظاره گری و یا ارجاع حل مسایل به مافوق خود (بزرگترها، "سن پای" یا نامزدهای انتخاباتی) هم خود را از شر بحران ها رها می کنند و هم از این طریق از تعارض و درگیری و تزلزل پایگاه خود جلوگیری می کنند. مقایسه آماری در این بررسی نشان از افت درصد رفتار فعالانه و افزایش درصد رفتار منفعلانه ی مردم نسبت به سال های پیشین داشته است.

8- "نظم" در مراکز آموزشی

نظام آموزشی در مدارس پیش دانشگاهی ژاپن هنوز بر پایه پیروی از روش های سنتی آموزشی اجرا می شود. روش حفظ کردن متن های درسی در مدارس همچنان به عنوان تنها روش کارساز و مفید آموزشی دنبال می شود. روش بخاطر سپردن نتایج و دست آوردهای تجربی دیگران که عنوان شایستگی و کارشناسان را یدک می کشند معیار یادگیری و دانش اندوزی تعیین شده است. در چنین نظام آموزشی جائی برای بروز خلاقیت و نبوغ فردی وجود ندارد، اگرچه نظم ی زیر سایه ی حرف شنوائی و پیروی منفعلانه دانش آموزان در مراکز آموزشی قابل دسترسی شده است. این نوع روش آموزشی به همراه نظم که در دانش آموزان نهادینه می شود درست در راستای خواسته ی اجتماع است که قرار است دانش

⁵ 現代日本人の意識構造「第七版」、NHK 放送文化研究所「編」—NHK Books 1151

آموزان را در نظم تثبیت شده خود پوشش دهد. نبود محیطی برای رشد خلاقیت و نوآوری های فردی سبب شده است تا از دانش آموز فردی پیرو و ذوب شده در نظم اجتماع و فارغ از خودبودگی و گرایش فعالانه ی متکی به خود در مناسبات انسانی بسازد.

9- "نظم" میان رسانه های دیداری و شنیداری و مخاطبان

تجربه طولانی زندگی در ژاپن برای من وجود تسلط بی چون و چرای رسانه ها بر تصورات و افکار شهروندان و نقش تنظیم گرانه آن ها در روابط انسانی محرز گریده است. اگر چه رسانه ها از تنوع بیشتر برخوردارند، آن ها به عنوان سازمان های آموزشی بموازات مراکز آموزشی رسمی نقش بازی می کنند. به جرات می توان گفت برنامه گزارشات و در پی آن تعبیرات و تفسیرات رسانه ها در حوزه های گوناگون زندگی، سیاست، فرهنگ، اقتصاد و اجتماع و غیره شکل دهنده ذهن مخاطبان آن هاست. نظمی که میان این رسانه ها با مخاطبانشان برقرارست نمونه بارزی از ایجاد نظم منفعلانه از طریق تحمیل یک طرفه اطلاعات و گزارشات است. برنامه های بسیاری با عنوان های جدی اما حاوی متنی سرگرم کننده و گاهی منحرف، مخاطبان را به بازی می گیرند. اگر چه جامعه خط قرمزی قانونی برای اعتراض و ابراز نظر مخالف ایجاد نکرده است ولی به گونه ای طبیعی و خودجوش جو پذیرش بدون تامل و تعمق بر جامعه حکمفرماست. چنین جوی نه امروز، نه دیروز بلکه از تاریخی طولانی برخوردارست، و از آن جایی که مخاطبان تحت غلبه نیرومند سازمان های مغز شوئی قادر به پوست انداختن و بهره وری از هوشیاری لازم و خوداتکائی نیستند همچنان سایه خود را بر ارکان جامعه پر رنگ حفظ خواهد کرد. مخاطبی که تحت تاثیر رسانه ها "منظم" شده است در نظام اجتماعی نقش فعالانه و سازنده پیدا نخواهد کرد و تنها به پیروی از نظم موجود به زندگی ادامه خواهد داد.

10- رعایت نظم عرفی شده در خرید اجناس مارک دار (براند)

ژاپنی ها نسبت به مردم کشورهای دیگر گرایش مفرطی به خریدن اجناس مارک دار خارجی یا همان براندها را دارند. فروش اجناس مارک دار خارجی در ژاپن بالاترین رکورد را داراست. در صورتی که اجناس مشابه ژاپنی با کیفیت برتر و قیمت مناسب تر وجود دارد اما برای آن ها جنس مارک دار خارجی از جذابیت بیشتری برخوردارست. در عرف جامعه جنس مارک دار از پرستیژ و اهمیت بیشتر برخوردارست. دارنده جنس مارک دار خود را نسبت به دوستان و آشنایان در سطح بالاتر عرضه می کند و همزمان می تواند فخر بفروشد. سازگاری منفعلانه و ذوب در گرایشات مجازی بی منطق جامعه می تواند نشانه خمودگی فکری و ذوقی شخص و ترس از انزوای در وی باشد. روانشناسان سبب این رفتار را در رابطه خانوادگی جستجو می کنند. نظم کنفسیوسی شدیدی در رابطه فرزند و اولیا در خانواده ژاپنی مشاهده می شود. نهایت آرزو و رضایت اولیا وقتی برآورده می شود که توانسته باشند فرزندان تابع و حرف شنو پرورش بدهند. رفتار و گفتار فرزندان تمام و کمال تحت تاثیر خواسته ها و تصمیمات اولیا شکل می گیرد. در خانواده ژاپنی کمتر می توان به محیط و جوی برخوردار که در آن فرزندان قادر باشند شخصیت مستقل و آزادی را شکل

بدهند. شخصیت های تابع و حرف شنو بسادگی در مناسبات اجتماعی هم ذوب می شوند و همچنان از رشد استقلال فکری و کنشی خود عاجز باقی می مانند، اگر چه نظم جامعه رعایت می شود.

11- مفهوم متفاوت خانواده و رابطه آن با نظم در جامعه ی ژاپن

نکته ای که حایز اهمیت است تعریف خانواده در ژاپن است. "خانواده" یا "ای نه"⁶ در جامعه ژاپنی لزوماً به معنای اجتماع افرادی که با هم پیوند خونی دارند نیست. افرادی که با همکاری یکدیگر کار یا مسئولیت مشخصی را بعهده می گیرند اعضای یک خانواده بشمار می آیند. حال این مجموعه یک خانواده عرفی باشد، سازمان یا شرکت تجاری یا انجمن خیریه، ورزشی و غیره باشد، در معنای خانواده خدشه ای رخ نمی دهد. عروس یا فرزند خوانده ای که به خانواده ای ملحق می شود اگر چه پیوند خونی ندارد اما عنصر بی چون و چرای خانواده یا فامیل تلقی می شود، و بناچار باید از شرایطی که بزرگ خانواده مد نظر دارد پیروی کرده، رسوم و سنت ها و دستورات را از آن خود دانسته به آن ها عمل کند و در راستای تعالی خانواده کوشش و همکاری نماید. عضو جدید دیگر عضوی از خانواده اصیل خود بشمار نمی آید. در صورتی که وضع موجود در خانواده جدید مورد تفاهم دوطرف قرار گیرد دوستی، آرامش و نظم و خوشی حاصل می شود.

در صورتی که مجموعه مورد نظر یک شرکت تجاری باشد کارمندان اعضای خانواده شرکت بحساب می آیند و در برابر تعهدی که به اجرای تصمیمات و سیاست های راس هرم شرکت نشان می دهند مورد عنایت قرار گرفته و از تسهیلات شرکت برخوردار می شوند. کنفسیوس میان رابطه ی اخلاقی در خانواده و جامعه تفکیک قایل بود. خانواده نزد کنفسیوس شامل افرادی می شد که نسبت خونی با هم دارند، حال آن هائی که در گذشته اند، در قید حیاتند و یا در آینده احیاناً به جمع خانواده می پیوندند. کنفسیوس بر این باور بود روح گذشتگان در حاضرین و روح حاضرین در آیندگان به ارث گذاشته می شود و بنابراین لازم است برای ادامه این پیوند به یکایک اعضای خانواده احترام گذاشت و در صیانت از آن کوشید. او ادامه این سرشت اخلاق منش را در جامعه نیز تبلیغ می کرد.

در جامعه جمعیت بدنه ی هرم نسبت به راس قدرت مجبور به اطاعت و وفاداری بود و در مقابل راس هرم ملزم به روای عنایت و حمایت از بدنه ی هرم می شد. در شرکت های تجاری ژاپنی در مقابل کوشش و وفاداری کارمندان که به رونق کسب و کار و افزایش منافع و ارتقای شرکت می انجامد راس شرکت ملزم به تضمین "استخدام مادام العمر"⁷ کارمند و حمایت از نظام "ارتقای منظم و دوره ای مقام"⁸ کارمند بوده است. "استخدام مادام العمر" و "ارتقای منظم و دوره ای مقام" دو شاخص برجسته نظام استخدامی در شرکت های ژاپنی بشمار می آید. این نوع بگیر و بستان ها و قطعیت دادن به رابطه ی "سن پای" و "گه های" در شرکت های ژاپنی به فرهنگ پایداری تبدیل شده است که هم

6 いえ=Ie

7 終身雇用=shushin-koyo

8 年功序列=neko-joretsu

برای شرکت و هم برای کارمند متضمن آینده ای همراه با آرامش و نظم است. ژاپن پیشرفت اقتصادی خود را در سال های متمادی مرهون بکارگیری و تقویت فرهنگ اخلاقی کنفوسیوسی می داند. اگر چه این سنت در سال های اخیر گه گاه مخدوش می شود اما همچنان به عنوان نقش تعیین کننده ی فرهنگ کار در ژاپن محسوب می شود. مهارت گرایی و شایسته سالاری، ایجاد شرایط رقابتی و اخراج های مکرر پرسنل اضافی و بعضا کم کار و ناتوان در سال های اخیر از شاخص هائی هستند که با پیمان های سنتی سرسازگاری ندارند.

در انتها

همان طور که از سطور بالا دریافت می شود برقراری نظم در جامعه ژاپن در رابطه با رعایت بی چون وچرای ساختار سلسله مراتبی در مناسبات اجتماعی امکان پذیر بوده است. مقوله سلسله مراتب در جامعه ژاپن تاریخ بس دیرینه دارد و می توان بر نهادینه شدن آن در مناسبات انسانی صحه گذاشت. توفیق اقتصادی و اجتماعی در این کشور در سایه ساختار سلسله مراتبی تجربه بزرگی است که بدون شک مشوق ادامه ی این راه در آینده نیز خواهد بود. تا زمانی که طیف های انسانی از فرمول روابط سلسله مراتبی سرپیچی نکنند و همواره این فرمول تنها راه پیشرفت و آرامش پنداشته شود تغییر محسوس در روابط انسانی این کشور رخ نخواهد داد. اما برآستی رعایت و پیروی بی چون وچرا از رابطه سلسله مراتبی عوارض و عواقب ناخوشایند نداشته است؟ آیا همیشه فرد یا مجموعه مسئولان که در راس هرم قرار دارد یا شخص ارشد که از اختیار در سیاست گذاری و صدور دستورالعمل برخوردار بوده است از راه حقیقت و شایسته مداری عدول نکرده است؟ آیا همیشه تصمیمات "سن پای" یا هیئت مدیریتی یک مجموعه بر پایه منافع و صلاح تمام اجزای تشکیلات اتخاذ شده است؟ اگر چنین است آیا همزمان قوانین، منافع و مناسبات و فرهنگ اجتماع خارج از تشکیلات نیز رعایت شده است، یا در رقابت های میان سازمانی و تشکیلاتی تقلب و پارتی بازی و حق کشی نشده است؟ منش یک تشکیلات نه فقط شامل صیانت از منافع مشمولین در همان تشکیلات است بلکه لازمست با پیروی از قوانین و عرف اخلاقی اجتماع موجب خدشه دار شدن منافع مجموعه های دیگر هم نشود.

خلاف های تشکیلاتی در ژاپن بکرارت گزارش شده است. جرم هائی که متوجه شرکت های بنام است از نوع خلاف های تشکیلاتی است. خلافی که بوسیله دو نفر یا بیشتر صورت می گیرد به خلاف تشکیلاتی موسوم است(منبع 6). نا گفته نماند که این خلاف ها بیشتر بوسیله افرادی که درون مجموعه شامل هستند فاش می شود. فاش شدن خلاف ها گاهی پس از گذشت سال ها صورت می گیرد. اما تمایل عموم کارکنان بیشتر بر همراهی، همجنسی و همکاری با سیاست های تشکیلات است. در اکثر شرکت های تجاری و تولیدی "تعهد به راز داری" میان کارمندان تبلیغ و تفهیم می شود. تا قبل از سال 2004 که قانون حمایت از گزارش دهندگان درون تشکیلات تدوین شد، گزارش وضع درون مجموعه مواجه با اخراج، تنبیه و تبعیض بود و این خود عامل ممانعت از فاش شدن تقلب ها و اعمال ضد قانونی و خلاف اخلاق تشکیلات شده بود. اما دقیقا پس از تدوین قانون حمایت از فاشگران است که گه گاهی گزارش تخلفات قانونی و ضد اخلاقی سازمان ها و شرکت ها به بیرون درز می

کند.

نمونه های بیشماری از تخلفات درون تشکیلاتی (شرکت های نامور) در رسانه های مجازی ثبت شده است (منبع 7). به تعداد مختصری از آن ها اشاره می شود.

◆ پنهان کردن نقص فنی در خودروهای میتسوبیشی در سال 2000،
◆ استفاده از گوشت استرالیایی و اعلام آن به عنوان گوشت ژاپنی بوسیله یوکی جیروشی در

سال 2001

◆ استفاده مواد شیمیایی غیر مجاز در تهیه خوراک های گوشتی توسط مک دونالد در سال 2000،

◆ استفاده از شیر تاریخ گذشته در تهیه شیرینی ها توسط شرکت فوجی کا در سال 2005

◆ استفاده از گوشت های خارجی (استرالیایی) به عنوان گوشت ژاپنی و ماهی های یخ زده بجای ماهی تازه در هتل های معروف از جمله هانکیو، هانشین و کین تنسو در سال 2013

اگر چه نوشتار حاضر مدعی ارایه یک جستار پژوهشی دقیق نیست اما بنظر نگارنده نکات مطروحه حایز اهمیت و توجه اند. باشد تا پژوهش های دقیق و کارشناسانه آینده به رفع کمبودها و نارسائی های آن یاری رساند.

مراجع

1. 日本的経営と儒教思想—「忠」の哲学・「和」の理念 蔡 林海：

http://www.google.co.jp/url?sa=t&rct=j&q=&esrc=s&source=web&cd=3&ved=0CDgQFjAC&url=http%3A%2F%2Fwww.tulips.tsukuba.ac.jp%2Fdspace%2Fbitstream%2F2241%2F107979%2F1%2F%25E7%25AD%2591%25E6%25B3%25A2%25E7%25A4%25BE%25E4%25BC%259A_3-54.pdf&ei=nI4IU76MDIOikQWq34GYBg&usg=AFQjCNFB0Nds5NOKoNqAHt0tLkFcRceegQ&bvm=bv.61725948,d.dGI

2. 経済成長が困難な「儒教の国、日本」：

<http://www.sky-net.or.jp/masahiro/confucianism.htm>

3. しぐさから読みとく日本人の不思議—河出書房新社

4. 現代日本人の意識構造「第七版」、NHK 放送文化研究所「編」—NHK Books 1151

5

<http://ja.wikipedia.org/wiki/%E4%BC%81%E6%A5%AD%E7%8A%AF%E7%BD%AA>

6

<http://ja.wikipedia.org/wiki/%E7%B5%84%E7%B9%94%E7%8A%AF%E7%BD%AA>

7

<http://ja.wikipedia.org/wiki/%E5%81%BD%E8%A3%85%E8%A1%A8%E7%A4%BA>